معيارهاى گزينش همسر در اسلام(قسمت اول) (1)

امير ملك محمودى‏

روان شناسان و متخصصان خانواده معتقدند: «هر اندازه زن و مرد قبل از ازدواج اطلاعات صحيح‏تر و دقيق‏ترى نسبت به يكديگر داشته باشند، بهتر مى‏توانند موفقيت و يا شكست زناشويى خود را پيش‏بينى كنند.»

مطالعات نشان مى‏دهد كه افراد تمايل دارند، همسرانى مشابه خود برگزينند. شاخصهاى اين تشابه عمدتاً اعتقادات مذهبى، تحصيلى، فرهنگى، خانوادگى، اقتصادى و اجتماعى مى‏باشد. اين گونه افراد زندگى را تقريباً مشابه هم تعريف مى‏كنند و اهداف و رؤياهاى آنان نيز به يكديگر نزديك‏تر است.

عوامل فرهنگى يكى از شاخصهاى مهمى است كه يك زوج را به يكديگر نزديك مى‏كند. زمينه‏هاى فرهنگى روابط بين آن دو را خلاّق، جالب و پوياتر مى‏نمايد. هر اندازه فرد با همسر خود وجوه اشتراك فرهنگى بيشترى داشته باشد، براى سازگارى با او آماده‏تر و با اختلافات كمترى مواجه مى‏شود.

هر ازدواجى، اگر از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گيرد، ازدواج مركبى است؛ زيرا على‏رغم تلاش طرفين در انتخاب همسرى با تشابهات بيشتر ذاتى و اكتسابى، باز هم زن و مرد تفاوت‏هاى بسيار چشمگيرى با يكديگر خواهند داشت. بنابراين آنان بايد ياد بگيرند كه با اين تفاوت‏ها زندگى كنند و با حل و فصل تفاوتها و رسيدن به تفاهم در زندگى مشترك، ثمره اين پيوند مقدس يك ازدواج شاد و رضايت بخش باشد.

برخى از ويژگى‏ها مانند مسؤوليت پذيرى بايد بين زن و مرد مشترك باشد. تحقيقات در زمينه مقايسه گروهى از زوجهاى طلاق گرفته و زوج‏هاى خوشبخت نشان مى‏دهد كه ارزيابى زوجهاى خوشبخت و سازگار از مسؤوليت‏پذيرى، بيشتر از زوج‏هاى سازش نيافته و جدا شده است.

هم چنين پژوهش‏ها نشان مى‏دهد كه تا حدود زيادى خوشبختى و بدبختى زن و مرد را از ابتداى زندگى مشتركشان مى‏توان پيشگويى كرد و به بيان ديگر بسيارى از مشكلات آنها قابل پيشگيرى خواهد بود. به همين جهت، امروزه آموزش پيش از ازدواجِ زوجهاى جوان، يك ضرورت مسلم تلقى مى‏شود. هر اندازه دختر و پسر اطلاعات بيشترى در جهت شناخت خود و همسر آينده‏شان داشته باشند و ملاكهاى معقول‏ترى را براى انتخاب همسر در نظر بگيرند، در زندگى زناشويى خود با مشكلات و ناسازگاريهاى كمترى مواجه خواهند بود.

جوانان عزيز بايد توجه داشته باشند كه خانواده، به مثابه دژى استوار و نهادى مقدس، بيشترين مسؤوليت را در رشد و تحول، تربيت و تعالى و سعادت وجود انسان بر عهده دارد.

خانواده، كانونى است كه در آن ارزش‏هاى اخلاقى، باورهاى دينى و معيارهاى اجتماعى از نسلى به نسل ديگر انتقال مى‏يابد و زمينه رشد عاطفى و تربيت اخلاقى اعضاى خانواده فراهم مى‏گردد.

خانواده، اصلى‏ترين و حياتى‏ترين ستون سلامت و امنيت اجتماعى است. در نظام الهى، هدف اصلى ازدواج رسيدن به آرامش روان و آسايش خاطر، پيمودن طريق رشد، نيل به كمال انسان و تقرب به ذات حق است.

خداوند سبحان مى‏فرمايد: «هُو الَّذى خَلَقَكُم مِنْ نَفسٍ واحدةٍ و جَعَل مِنْها زَوْجَها لِيَسْكُنَ اِلَيْها...»؛(2) او خدايى است كه همه شما را از يك فرد آفريد، و همسرش را نيز از جنس او قرار داد، تا در كنار او بياسايد... .

بايد دقت داشت كه ازدواج، امرى است بسيار مهم و سرنوشت‏ساز و كاميابى يا شكست در آن، در زندگى آينده بسيار تأثير دارد. همسر خوب و هم كفو و متناسب، زندگى را قرين آرامش و آسايش مى‏كند. چون مهمترين تكليف و توان «زن»، به عنوان ستون اصلى خيمه خانواده، «آرامشگرى» است و زمينه را براى پرورش استعدادهاى درونى و ترقى و تعالى فراهم مى‏سازد و بر عكس، شكست در ازدواج و انتخاب همسر، موجب يأس، افسردگى، شكست، دلسردى، پيرى زودرس و... مى‏شود و استعدادهاى درونى را از حركت و تكامل باز مى‏دارد.

در اين نوشتار سعى شده، اصولى‏ترين معيارها و ملاك‏هاى انتخاب همسر شايسته، به جوانان عزيز معرفى شود تا به گونه‏اى همسر برگزينند كه با يكديگر «همتا» و «متناسب» باشند، تا در زندگى مشترك، روابط فى ما بين همسران بهتر، سالم‏تر، پرجاذبه‏تر، شيرين‏تر و با صفاتر گردد.

بزرگان و رهبران دينى ما، صاحب‏نظران، روان شناسان، متخصصان خانواده، شرايط و ملاكها و ويژگيهايى را براى ازدواج موفق توصيه مى‏كنند. اين توصيه‏ها را مى‏توان به دو دسته تقسيم كرد:

الف. شرايط و ويژگى‏هاى فردى‏

اولين مسائل مطرح در ازدواج، زمان و سن مناسب و ميزان رشد فرد براى ازدواج است. در اين رابطه، سه شرط اساسى را به اختصار مى‏توان نام برد:

1. بلوغ جسمانى، روانى، عاطفى، اجتماعى، اخلاقى، اقتصادى، ذهنى، فرهنگى و آرمانى.

2. داشتن هدف و انگيزه براى ازدواج.

3. داشتن اطلاعات لازم در مورد انتظارات، تكاليف و وظايف در زندگى زناشويى.

ب. معيارها و ملاكهاى ازدواج‏

هر اندازه دختر و پسر از نظر ويژگى‏هاى گوناگون نزديك‏تر باشند، تركيب آن دو در زندگى زناشويى استوارتر و عميق‏تر خواهد بود. اين مجموعه ويژگى‏ها در منابع اسلامى با عنوان «اصول كفويت و همانندى» عنوان شده است كه در ابعاد گوناگون چون: ايمان و ديندارى، اخلاق نيك، اصالت خانوادگى، عقل و هوش، جمال و زيبايى، تناسب سنى، شغل زوجين، سلامت از اعتياد، دوشيزه بودن و... از آنها ياد شده است و در اين فصل، به صورت اجمال به برخى از اين ويژگى‏ها و معيارها اشاره خواهد شد كه عبارتند از:

1. ايمان و ديندارى‏

پايبندى به ارزشهاى دينى و در جامعه ما به «اصول و آيين مقدس اسلام»، بدون شك، يكى از عوامل مهم خوشبختى در زندگى زناشويى است. دين به عنوان يك عامل درونى، افراد را از ارتكاب به اعمال خلافِ انسانى باز مى‏دارد. علاوه بر اين زن و مرد با ايمان وتقوى، از هر جهت براى تربيت فرزندان صالح شايسته‏تر هستند.

بدون ترديد از مهم‏ترين عوامل پيوند پايدار و ازدواج موفق و زندگى آرام، همسويى بينش‏ها و باورهاى دينى و پايبندى عملى زوجين به ارزشها و معارف الهى است. بر همين اساس، پسران و دختران خداباور و پاك انديش در آرزوى داشتن همسرى مؤمن و نيك سيرت و عامل به ارزشهاى قرآنى هستند. چنين گرايشى در امر ازدواج، برخاسته از نهاد پاك و فطرت كمال جوى انسان است و خداوند متعال بهترين ازدواج را وصلت پاكان و متقيان با يكديگر مى‏داند و مى‏فرمايد: «... و الطّيباتُ لِلطّيّبينَ و الطّيبونَ لِلطّيباتِ...»؛(3) زنان پاك از آنِ مردان پاك و مردان پاك از آنِ زنان پاكند... .

و در همين رابطه پيامبر اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) مى‏فرمايند: «مَن تَزَوَّجَها لِدينِها جَمَعَ اللَّه لَه ذلك»؛ (4) كسى كه به خاطر دين و ايمان زنى، با او ازدواج كند، خداوند همه دنيايش را براى او فراهم مى‏كند.

عفت و پاكدامنى، امانتدارى، وفاى به عهد، تقيّد به امر به معروف و نهى از منكر، رعايت حقوق ديگران، اجتناب از ظلم و تعدى، حجاب و دورى از نامحرم، نجابت و حيا از جمله صفاتى است كه مى‏تواند دليل روشنى در ديانت هر شخص باشد.

اهميت و ضرورت ديندارى در انتخاب همسر بدين جهت مى‏باشد كه، دو همسر مى‏خواهند يك عمر با هم زندگى كنند. آن‏ها تحت تأثير عقايد، افكار، باورها، رفتار، كردار، گفتار يكديگر قرار خواهند گرفت. همسر ديندار، همسرش را به خدا باورى و خدا ترسى، تقوا، اخلاق نيك، عمل صالح، و ترك گناه تشويق و ترغيب مى‏كند و در پيمودن راه سعادت و خوشبختى، يار و مددكارش خواهد بود و اسباب نيك بختى و كمال او را فراهم خواهد ساخت. بر عكس، يك همسر بى ايمان، همسرش را به گناه و بدبختى خواهد كشيد.

2. اصالت خانوادگى:

اصالت و شرافت خانوادگى دختر و پسر، يكى از اساسى‏ترين ملاك‏هاى ازدواج، به ويژه در جامعه اسلامى ماست. كلمه اصالت از اصل گرفته شده و اصل به معناى ريشه آمده است. يعنى دختر و پسر از خانواده‏هايى باشند كه داراى اصل و ريشه هستند.

شناخت خصوصيات و وضعيت تربيتى و فرهنگى خانواده همسر آينده، در ايجاد تفاهم بين پسر و دختر در زندگى، نقش اساسى را ايفا مى‏كند و مى‏تواند ملاك قابل اعتمادى براى چگونگى نحوه تربيت فرزندان و ارتباطات متقابل در زندگى زناشويى تلقى شود.(5)

توصيه‏هاى اسلام در اين زمينه آن است كه تا حدامكان، خانواده همسر پاك و عفيف باشند؛ زيرا اخلاق و رفتار خانواده، جنبه‏هاى عقلى آن از لحاظ هوشمندى و كودنى و زمينه‏هاى اعتقادى آن، در زندگى جديد و نسل، اثر مى‏گذارد. نطفه، ماده اوليه تشكيل دهنده جنين از جنبه‏ها و خصايص وراثتى والدين و حتى اجدادشان متأثر است. اگر آن‏ها ناسالم باشند، اميدى به اصلاح فرزند نيست؛ مگر در مواردى بسيار نادر.

پيامبر اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) در اين‏باره مى‏فرمايند: «تَزَوَّجوا فى الحِجرِ الصّالح فَانَّ العرِقَ دَسّاسٌ» ؛ (6) با خانواده خوب و شايسته وصلت كنيد؛ زيرا خون اثر دارد.

و در جاى ديگر مى‏فرمايند: «تَخَيَّروا النُطَفَكُم فَانكِحوا الاكفاءَ و انْكَحوا إلَيْهِم»؛(7) براى نطفه‏هاى خود گزينش كنيد و با كسانى كه همتاى شما هستند، ازدواج نماييد.

و باز درباره اهميت همين موضوع فرموده‏اند: «تَخَيَّروا لِنُطَفِكُم فإنَّ النّساءَ يَلِدْنَ أشباهَ إِخْوانِهِنَّ و أخْواتِهِنَّ»؛(8) براى نطفه‏هاى خود گزينش كنيد؛ زيرا زنان بچه‏هايى همانند برادران و خواهران خود به دنيا مى‏آورند.

دختر و پسر بايد در خانواده‏هايى رشد يافته باشند كه پدر و مادرى عاقل و دلسوز، با همه وجود در رشد و تعالى فرزند كوشيده باشند. بر خلاف خانواده‏هايى كه زن و شوهر، فرزندان را به حال خود رها كرده و به دنبال هوا و هوس‏هاى خود هستند و يا اين كه در كانون خانوادگى آنها بويى از محبت و احترام و تكريم شخصيت ديگران استشمام نمى‏شود.

بنابراين، دختر و پسرى كه درصدد انتخاب همسر هستند، بايد سعى كنند حتى المقدور با خانواده‏هايى شريف و اصيل وصلت نمايند و از ازدواج با خانواده‏هاى پست و فرومايه جداً اجتناب نمايند؛ چرا كه غالباً با مشكلاتى مواجه خواهند شد. در خانواده‏هاى اصيل، پدران و مادران كوشيده‏اند از نظر اخلاقى و رفتارى براى فرزندان خود نمونه و الگو باشند و بدون ترديد پدر و مادر صالح از نظر ارثى نيز سرمايه‏هاى بس گرانبهايى را به فرزندان خود انتقال مى‏دهند. دختر و پسرى كه در يك خانواده اصيل رشد مى‏يابند، سجاياى اخلاقى را از پدر و مادر خود به ارث مى‏برند و در برخورد با دشواريها و سختيهاى زندگى، هرگز از جاده درستى و راستى خارج نمى‏شوند. به عبارت ديگر، پاى‏بندى به آبرو و حيثيت، آنان را از انحراف باز مى‏دارد.

پس در مسأله انتخاب همسر، ازدواج با يك فرد، يعنى پيوند با يك خانواده و فاميل و نسل؛ زيرا:

- اين فرد جزيى از آن خانواده مى‏باشد و مانند يك شاخه از ريشه‏هاى همان درخت تغذيه كرده است.

- با تشكيل خانواده، يك عمر بايد با خانواده طرفين رفت و آمد و معاشرت داشت.

خوب و بد بودن خانواده‏ها در اجتماع، در زندگى مشترك فرزندانشان نيز تأثير دارد.

- صفات و خصوصيات آنان نيز در فرزندان مؤثر است.

- از نظر ايمان و تقوا و ساير جنبه‏هاى اخلاقى و فرهنگى مى‏توانند در رفتار، كردار و گفتار فرزندان تأثير بگذارند و... .

3. اخلاق نيك‏

اخلاق نيك، يعنى صفات و خُلق و خوهاى پسنديده، در نظر عقل سليم و شرع مقدس. زندگى زن و مرد در محيط خانوادگى احتياج به اخلاق دارد؛ زيرا تنها در پرتو قانون نمى‏توان زندگى كرد وهمه انبيا نيز به خاطر زنده كردن اصول اخلاقى مبعوث شده‏اند.

پيامبر اسلام(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) مى‏فرمايند: «إنَّما بُعِثْتُ لاُِتَمِّمَ مَكارِمَ الاخْلاقِ»؛(9) همانا برانگيخته شدم تا مكارم اخلاق را بين مردم زنده كنم.

اخلاق نيك و جاذبه‏هاى رفتارى پسر و دخترى كه مى‏خواهند «زندگى مشتركى» را شروع كنند، يعنى اين كه، در كانون گرم خانواده هر دو بايد اصول اخلاقى را رعايت كنند و آن اصول عبارتند از: جذابيت‏هاى بصرى و گيرايى كلامى، نحوه حشر و نشر اجتماعى، برخوردها و رفتارها در شرايط و موقعيت‏هاى گوناگون، توجه به نظافت و بهداشت فردى و پاكيزگى و تميزى منزل، نحوه غذا خوردن، خوابيدن، آراستگى ظاهر، در نگاه كردن در هنگام سخن گفتن با همديگر، در ابراز لطف و محبت، در هديه دادن وهديه گرفتن، در مهمانى‏ها و پذيرايى‏ها، در جشن‏ها و ترحيم‏ها، در سفرها و گشت وگذارها، در خريدها و داد و ستدها، تقدم در سلام كردن واحوال‏پرسى با زيباترين كلام‏ها و واژه‏ها، در ابراز دوستى و عشق و علاقه نسبت به همديگر، در وقت‏شناسى و وفاى به عهد، در اقامه نماز و روزه گرفتن، در معاشرت با اهل فضل و معرفت والگوهاى مطلوب رفتارى و... خلاصه در همه رفتارهاى نيك شخصى، خانوادگى، شغلى و اجتماعى همسران، يعنى مجموعه آن چه از انسان سر مى‏زند و نسبتاً پايدار و قابل مشاهده است، مى‏تواند از مهم‏ترين جاذبه‏هاى زندگى مشترك و يا خداى ناكرده از عوامل زمينه ساز سردى‏ها، بى‏تفاوتى‏ها و بعضاً جدايى‏ها باشد.

پيامبر اسلام حضرت محمد مصطفى(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) مى‏فرمايند: «إذا جاءَكُمْ مَنْ تَرْضَونَ دينَهُ و امانَتَهُ يَخطُبْ (إلَيكُم) فَزَوَّجُوهُ...»؛ (10) هر گاه كسى به خواستگارى نزد شما آمد و ديندارى و امانتدارى (اخلاق) او را پسنديديد، به او زن بدهيد... .

4. عقل و هوش

بعد از ديندارى، اصالت خانوادگى و اخلاق نيك، «عقل و هوش» از مهم‏ترين شرايط يك همسر خوب محسوب مى‏شود. تدبير امور زندگى و پيمودن راه سعادت و درستكارى و برطرف نمودن مشكلات زندگى مشترك كار ساده‏اى نيست.

طبق بررسى‏ها و مطالعات آسيب‏شناسى خانواده، اصلى‏ترين علت كشاكش‏هاى خانوادگى، سردى‏ها و بى رغبتى‏ها، اخم‏ها و قهرها، بى‏تفاوتى‏ها و افسردگى‏ها، بدزبانى‏ها و تندى‏ها، طردها و خانه گريزى‏ها، اضطرابها و پريشانيها، گاه اختلالات روانى، برخى آسيب پذيرى‏هاى رفتارى و كژروى‏هاى اجتماعى «همسران» و سرانجام طلاق‏ها و جداييها و ريشه اصلى همه اختلافات زناشويى، عدم تناسب در «عقل و هوش» بين زن و شوهر مى‏باشد.

لذا با توجه به مشخصات افراد از نظر عقل و هوش، بايد جوانان در انتخاب همسر، كسى را به عنوان همسر در زندگى مشترك خود انتخاب كنند كه با همديگر تناسب داشته باشند تا بعدها دچار مشكلات نشوند. امام على(عليه‏السلام) مى‏فرمايد: «ايّاكم و تزويج الحَمقاء فَانَّ صُحبَتَها بَلاءٌ و ولدها ضياع» ؛ (11) بپرهيزيد از ازدواج با احمق! زيرا مصاحبت و زندگى با او بلاست و فرزندانش نيز تباه مى‏شوند.

و در همين باره امام صادق مى‏فرمايد: «عقل چيزى است كه خداوند رحمان به وسيله آن پرستش و عبادت مى‏شود و بهشت به وسيله آن به دست مى‏آيد.(12)

5- جمال و زيبايى

يكى از عواملى كه در ازدواج نقش مهمى دارد، قيافه ظاهرى و وضع جسمانى همسر مى‏باشد و ليكن در اين مبنا امور زير را در نظر بگيريد:

1. گرچه زيبايى ظاهر و تناسب اندام را در انتخاب همسر نمى‏توان ناديده گرفت، اما اين مسأله نبايد به عنوان بزرگ‏ترين هدف و معيار و ملاك ازدواج محسوب شود، بطورى كه ديگر معيارها را تحت الشعاع قرار دهد، بلكه هنگام انتخاب همسر بايد هر دو بُعد زيبايى (زيبايى صورى و ظاهرى يا تناسب اندام) و (زيبايى باطنى يا معنوى و فرهنگى، مانند ايمان، تقوا، حيا، عفت، هوش و استعداد، نجابت و اصالت خانوادگى و...) تركيب شود و به همه آنها اصالت داده شود كه در اين صورت زندگى مشترك، يك عمر گلستان مى‏شود.

زيبايى ظاهرى بايد در كنار ديگر صفات و معيارها، مورد توجه و بررسى قرار گيرد؛ نه به طور مستقل. زيبايى و تناسب اندام بدون تديّن و شرافت خانوادگى و...، آفتى است خطرناك و بلايى است رسواگر كه اگر بر مبناى ارزشهاى الهى پيوند نخورد، به زودى ناپايدار خواهد بود.

پيامبر اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) مى‏فرمايند: «مَن تَزَوَّج إمْرَأةً... لِجَمالِها، رأى فيها ما يَكْرَهُ» ؛(13) كسى كه (فقط) به خاطر زيبايى زنى با او ازدواج كند، در او امور ناخوشايند خواهد ديد.

و باز فرمودند: «إيّاكم و خَضْراءَالدِّمنِ»، قيلَ: «يا رسول اللَّه و ما خَضراءُ الدِّمَنِ؟» قال: «المَرأة الحَسناءُ فى مَنبِت السُّوءِ»؛(14) از خضراء الدمن (گياه روييده در خرابه) بپرهيزيد. گفته شد: اى رسول خدا! خضراءالدمن چيست؟ فرمود: زن زيبارويى كه در خانواده‏اى فاسد رشد كرده است.

2. گر چه زيبايى (ظاهرى، معنوى، فرهنگى و...) امرى است پسنديده و نيكو و در انتخاب همسر بايد مورد توجه قرار گيرد، ليكن نبايد از حد معمول تجاوز كند و به صورت «مشكل پسندى» درآيد و انسان را از ازدواج به موقع باز دارد، بلكه اگر از زيبايى نسبى برخوردار بودند و دين و اخلاق همديگر را قبول داشتند، بهتر است بعد از تحقيقات و شناخت كافى (در همه زمينه‏ها) از همديگر، با توكل بر خداوند و راهنمايى و ارشاد والدين، با همسر مورد نظر ازدواج نمايند و مطمئن باشند كه عقل و ايمان و اخلاق نيك و خانواده اصيل و با شرافت، بسيارى از كمبودها را جبران مى‏كند.

3. بهتر است پسر و دختر در مراسم خواستگارى، با اجازه و رضايت والدين، همديگر را ببينند و واقعيت‏ها را به همديگر بگويند. براى شناخت لازم و تشخيص جمال و زيبايى دختر مورد نظر، خوب است پسر، مادر يا خواهر و يا يكى از خويشان نزديك و مورد اعتماد را براى ديدن انتخاب كند و بفرستد تا زن مورد نظر را خوب ببينند و خصوصياتش را براى او توضيح دهند.

حضرت امام خمينى(ره) مى‏فرمايند: «هر يك از زوجين مى‏توانند (در مراسم خواستگارى) مستقيماً از يكديگر درباره هم تحقيق كنند، مشروط به آنكه اين تحقيق مستلزم حرام نباشد. هر يك از زوجين مى‏توانند بدن ديگرى را با شرايط زير به منظور تحقيق ببينند: 1. نگاه به قصد لذت و ريبه نباشد. 2. ازدواج متوقف بر اين نگاه باشد. 3. مانعى از ازدواج اين دو در ميان نباشد... 4. بهتر است اين ديدن از روى لباس نازك باشد. 5. بايد اين نگاه آخرين تحقيقى باشد كه هر يك از زوجين انجام مى‏دهند و... .»(15)

بنابراين، صحبت كردن آنها به قصد لذت، يا خلوت كردن آنها در محيط بسته و يا نگاه كردن به قصد لذت و يا لمس كردن يكديگر حرام است و بايد از آن اجتناب كنند.

6. تناسب سنى

توجه به تناسب سنى و جسمى مسأله مهمى در زناشويى است و در اين زمينه، بايد تناسبى باشد تا منجر به عواقب تلخ نگردد. سن پسر و دختر در ازدواج از دو نظر داراى اهميت است:

1. جنبه روانى: انسان در فرآيند رشد از نظر روانى، در سنين مختلف، داراى ويژگى‏هاى متفاوت مى‏باشد.

2. جنبه فيزيولوژيكى: علاوه بر جنبه‏هاى روانى، ارضاى غرايز جنسى خود مسأله مهمى است.

سن ازدواج در شرايط جغرافيايى و اقليمى مختلف، متفاوت است. معمولاً در مناطق گرم، سن بلوغ و ازدواج پايين‏تر از مناطق سرد و كوهستانى است. مهم نيست كه فرد در چه سنى بالغ مى‏شود، آن چه مهم است، اين است كه دختر و پسر احساس كنند كه از نظر فيزيولوژيكى و روانى نياز به ازدواج دارند. تشخيص زمان مناسب ازدواج و فاصله سنى زوجين از سوى پسر و دختر تازه بالغ مشكل است. در اين مورد، استفاده از راهنمايى‏هاى پدران و مادران و مشاوران خانواده ضرورت دارد.

معمولاً چون دختران از نظر رشد بدنى و روانى از پسران جلوتر مى‏باشند و رشد آنان سريعتر است و زودتر به سن تكليف شرعى و بلوغ بدنى مى‏رسند، آمادگى بيشترى براى انتخاب همسر و شروع زندگى زناشويى را دارند.

در روايات اسلامى، راجع به سن ازدواج و فاصله سنى زن و شوهر، اشاره به موضوع بلوغ شده كه طرفين در سنين پايين، يعنى اوايل بلوغ، ازدواج كنند و به همين علت در اسلام سن تكليف شرعى دختران 9 سال تمام قمرى و پسران 15 سال تمام قمرى مى‏باشد وتفاوت سن دختر و پسر (در ازدواج) با در نظر گرفتن موقعيت جغرافيايى و عوامل فرهنگى متفاوت است.

با توجه به تحقيقات انجام شده و بلوغ زودرس، در بعضى مناطق و موقعيت‏هاى مختلف جغرافيايى، فرهنگى، اقتصادى و...، بهترين سن ازدواج براى دختر خانم‏ها 16 الى 20 سالگى و براى پسرها 18 الى 23 سالگى مى‏تواند باشد و مناسب‏ترين فاصله سنى، پسر و دختر در ازدواج بين 1 الى 5 سال مى‏باشد و اگر هم، سن آنها مساوى باشد و يا اين كه دختر خانم چند سال از پسر بزرگتر باشد، اشكالى ندارد. لكن فاصله سنى (بين 1 الى 5 سال) از نظر روان‏شناسى و فيزيولوژى ارجحيت دارد. و اين تفاوت بدين جهت است كه زن‏ها در اثر باردارى و زايمان و شير دادن به كودك، غالباً از مردها زودتر پير و شكسته مى‏شوند و طراوت و شادابى خود را از دست مى‏دهند. زن اگر چند سالى از شوهر كوچكتر باشد، مدت بيشترى مى‏تواند نظر شوهر را به خود جلب كند و تمايلات روحى، روانى و جنسى او را ارضاء نمايد؛ در نتيجه، براى هميشه صلح، صفا، دوستى، عشق و محبت در كانون گرم خانوادگى آنان حاكم خواهد شد.

7. شغل و ازدواج‏

يكى از عواملى كه در انتخاب همسر بايد مورد توجه قرار گيرد، نوع شغل پسر و دختر مى‏باشد. در مورد شغل شوهر آن چه مهم است، تأمين نظر دختر است و بالعكس. در واقع مى‏توان گفت كه در گزينش همسر، در رابطه با شغل، موارد زير بايد از طرف هر يك از زوجين مورد توجه قرار گيرد:

1. نوع شغل، 2. محل شغل، 3. سطح شغل، 4. ميزان درآمد.

هر مردى بايد در اجتماع؛ به كار مشروع و مورد علاقه‏اش اشتغال داشته باشد. هم به جامعه خدمت كند، هم مخارج خود و خانواده‏اش را تأمين نمايد و اسلام نيز مردم را به جدّيت و تلاش و كار ترغيب نموده و در اين باره امام سجاد(عليه‏السلام) مى‏فرمايند: «إنَّ أرضاكُمْ عِنْدَ اللَّه أسبغُكم على عِيالِه»؛(16) خداوند از آن كس خشنودتر است، كه خانواده خود را بيشتر در رفاه و نعمت قرار دهد.

جامعه، مانند يك ارگانيسم(17) (Organicism) است و براى اين كه اجتماعِ انسان‏ها اداره شود، بايد هر كسى شغلى بپذيرد و در انجام آن جدّيت و تلاش كند.

جامعه به پزشك، روحانى، مهندس، كشاورز، صنعت‏گر، معلم، تاجر، كارمند، راننده، نانوا، كارگر، كارفرما، پاسبان و ديگر مشاغل اجتماعى نياز دارد. جوانان عزيز بايد توجه داشته باشند كه هر شغلى يك ويژگى خاص خود را دارد. بعضى شغل‏ها پر درآمد، بعضى كم درآمدند. لازمه بعضى شغل‏ها مسافرتهاى طولانى و دورى از خانواده، بعضى شغل‏ها شب‏بيدارى و... است، بنابراين، پسر و دختر قبل ازدواج، بايد درباره شغل همسر آينده خود، خوب بينديشند و تحقيق كنند. اگر ديدند مى‏تواند با لوازم و آثار شغل او بسازند، ازدواج را بپذيرند و تصميم بگيرند كه خودشان را با وضع موجود تطبيق دهند و گر نه در آينده چيزى جز اسباب زحمت، دردسر، ناراحتى براى خود، همسر و فرزندان فراهم نخواهند ساخت.

ادامه دارد...

پى‏نوشت‏ها:

1) تلخيص از كتاب راهنماى ازدواج، نوشته امير ملك محمودى.

2) اعراف، 189.

3) نور، 26.

4) وسائل‏الشيعه، ج 20، باب 14، ص 51.

5) جهت مطالعه بيشتر در اين زمينه مى‏توانيد به كتب روان‏شناسى رشد و روان‏شناسى تربيتى، بحث وراثت مراجعه نماييد.

6) ترجمه ميزان الحكمه، ج 5، ص 2258، ح 7848.

7) همان، ح 7849.

8) همان، ح 7850.

9) سفينةالبحار، ج 1، ص 411 و كتاب فلسفه اخلاق شهيد مطهرى، ص 20.

10) ترجمه ميزان الحكمه، ج 5، ص 2256، ح 7837.

11) وسائل الشيعه، ج 20، ص 84، ح 25094.

12) اصول كافى، ج 1، كتاب العقل و الجهل، حديث شماره 3.

13) وسائل الشيعه، ج 20، ص 51، ح 25008.

14) ترجمه ميزان الحكمه، ج 5، ص 2260، ح 7858.

15) تحريرالوسيله حضرت امام خمينى (ره)، كتاب نكاح، مسأله 28.

16) ترجمه ميزان الحكمه، ج 5، ص 2270، ح 7909.

17) ارگانيسم در لغت‏يعنى اندام، پيكر و در اصطلاح جامعه شناسان، جامعه را به يك ارگانيسم (موجود زنده) تشبيه مى‏كنند. مثلاً همان‏طورى كه بدن از سلولها و اجزاى به هم پيوسته مانند سر، اندامها، قلب و... تشكيل مى‏شود و هر يك از اجزاء داراى كاركردى هستند كه نتيجه معينى براى كل ارگانيسم دارند، اجتماع نيز از افراد تشكيل مى‏شود كه افراد به هم وابسته‏اند و نياز به همديگر دارند.